

عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با فعالیتهای ورزشی زنان در شیراز

حلیمه عنایت^۱، لیلا حسن زاده^۲، صدیقه البرزی^{۳*}

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۰۸ صص ۹۸-۸۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۶

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با فعالیتهای ورزشی زنان انجام شده است. این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از پرسشنامه صورت گرفته است و در نمونه‌ی مورد مطالعه، ۶۰۰ نفر از زنان ۲۰ تا ۶۵ سال شهر شیراز مورد سنجش قرار گرفتند. نظریه‌ی سرمایه‌های پیر بردیو از نظریات جامعه‌شناسی به عنوان چهارچوب نظری انتخاب گردید. تحلیل داده‌ها نیز توسط برنامه‌ی نرم افزاری Spss انجام شد و به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس و رگرسیون برای بررسی روابط و یا مقایسه‌ی متغیرها استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که ۵۸/۳ درصد از زنان، هیچ‌گونه فعالیت ورزشی ندارند که چیزی بیش از نیمی از زنان می‌باشد. متغیرهای مورد بررسی شامل طبقه‌ی اجتماعی، تفکر قالبی، سرمایه‌ی بدنی، اعتماد اجتماعی و مشارکت فرهنگی است. آزمون فرضیات نشان داد که میان تمامی متغیرهای ذکر شده (طبقه‌ی اجتماعی، تفکر قالبی، سرمایه‌ی بدنی، اعتماد اجتماعی و مشارکت فرهنگی) و فعالیتهای ورزشی زنان رابطه‌ی آماری معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی: فعالیتهای ورزشی زنان، تفکر قالبی، اعتماد اجتماعی، مشارکت فرهنگی،

شیراز.

^۱ استاد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز و ریس مرکز مطالعات زنان دانشگاه شیراز.

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات زنان.

^۳ دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز و پژوهشگر جهاد دانشگاهی فارس.

* نویسنده مسؤل مقاله: Albozi245 @gmail.com

مقدمه

بی شک همه‌ی انسان‌ها از ضرورت سلامتی در زندگی فردی و جمعی‌شان آگاه بوده و همواره به دنبال کسب و حفظ آن هستند. هر انسانی دوستدار سلامتی خود و اطرافیانش می‌باشد و بر این نکته آگاه است که در صورتی، به هر دلیلی، به سلامتی‌اش آسیب برسد، زندگی فردی و جمعی او نیز دچار آسیب خواهد شد (Vadadhir et al., 2008). یکی از مؤلفه‌هایی که ارتباط بسیار تنگاتنگی با سلامت جسمانی و روانی افراد دارد، فعالیت‌های ورزشی است. اما شواهد نشان می‌دهد که بشر در قرن حاضر، به دلیل پیشرفت‌های تکنولوژی و تحولات فناوری، فعالیت بدنی کمتری دارد و این امر پیامدهای نامطلوبی به دنبال خواهد داشت. (Khazaie, 2003).

امروزه ورزش، صورتی از یک نهاد بین‌المللی است و از بازتاب جهانی سود می‌برد. در جوامعی که نارسایی‌های کمی و کیفی در ورزش وجود دارد، عقب‌افتادگی آن جامعه چشمگیر است و از این روست که ورزش، امروزه در جوامع، علاوه بر آثار بهداشتی و نقش مهم آن در سلامت یک ملت، به عنوان پدیده‌ی اجتماعی و عامل اقتصادی مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد؛ هم‌چنین از آن‌جا که ورزش با فرهنگ رابطه‌ای مستقیم و مستمر داشته و پدیده‌ای تربیتی و فرهنگی است طبعاً موجب رشد فرهنگی و اجتماعی و پدید آمدن عقاید و ارزش‌های متعالی خواهد شد و تأثیر فراوان آن قابل چشم‌پوشی نیست (Eshraghi & Mohammadi, 2001). در رابطه با تأثیرگذاری فعالیت ورزشی و بدنی برای زنان، عواملی همچون، تناسب اندام، لذت و شادی بخشی، تقویت روحیه، کنترل وزن، بدنی کشیده و جذابیت بدنی نیز ذکر شده است. (Prichard & Tiggmann, 2008).

با توجه به آن‌که زنان نیز به عنوان گروهی که سهم مهمی در توسعه‌ی جامعه دارند، باید از سلامت کامل برخوردار شوند، سلامت هر یک از اعضای خانواده، به‌ویژه زن، مستقیماً بر تصویر کلی سلامت خانواده تأثیر می‌گذارد. البته که حضور در فعالیت‌های ورزشی زنان با ساختار و شرایط محیطی در ارتباط است. اعتماد داشتن به فضاها و مکان‌هایی ورزشی و تفریحی، داشتن همراه ورزشی که سرمایه‌های اجتماعی فرد محسوب می‌شود و هم‌چنین وجود سرمایه‌های اقتصادی همچون درآمد، شغل و... و سرمایه‌های فرهنگی تحصیلات، مشارکت فرهنگی، استفاده از رسانه که شرایط را برای پرداختن به ورزش برای زنان فراهم می‌آورد. (Mohtashemi, 2009). از آن‌جا که شهر شیراز مهد فرهنگ بوده و دارای مکان‌های شناخته شده و تفریحی می‌باشد و با وجود گسترش پارک‌های حاشیه‌ای و جاده‌های پیاده‌روی سلامت، این سؤال به ذهن خطور می‌کند که آیا زنان شهر شیراز سرمایه‌ی اجتماعی که نمونه‌ی بارز آن اعتماد به فضاها و مکان‌های ورزشی می‌باشد را برای انجام فعالیت ورزشی دارند؟ فعالیت‌های ورزشی زنان همواره با چالش‌ها و مسائلی رو به‌رو بوده است که به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای مرتبط است. همان‌طور که گرنردوفر (1983) در بررسی فعالیت

ورزشی زنان به این نکته اشاره می‌کند که ارتباط قوی بین کلیشه‌های جنسیتی و ورزش زنان در تمام سطح جهان وجود دارد. کوکلی (1990) نیز بیان می‌کند، عوامل دیگری وجود دارد که فعالیت ورزشی زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آن هم محدود شدن زنان به امور خانه، پرورش کودکان که این تصور نیز ناشی از جامعه پذیری جنسیتی می‌باشد، زنان همواره در جامعه دارای قدرت کمتری هستند و از پایگاه‌ها و منابع کمتری نسبت به مردان برای پرداختن به فعالیت ورزشی برخوردارند (Ogu, 1999). شاو و هندرسون نیز معتقدند: سطوح پایین مشارکت زنان در فعالیت‌های جسمی و ورزش، رابطه‌ی آشکاری با باورهای اجتماعی درباره‌ی ماهیت جنسیتی این فعالیت‌ها (یعنی تقسیم بندی انواع فعالیت‌ها به لحاظ سنتی به مردانه و زنانه) دارد که این امر به نوبه‌ی خود تأثیری محدود کننده و انقباضی بر رفتار زنان در عرصه‌ی ورزش باقی می‌گذارد. (Alivardi Nia et al, 2008). ما نیز در این پژوهش به دنبال آن هستیم که آیا با توجه به سبقه‌ی فرهنگی و علمی شهر شیراز، آیا کلیشه‌های جنسیتی می‌تواند بر فعالیت ورزشی زنان شهر شیراز تأثیر بگذارد؟

مشاهده‌ها نشان می‌دهد که نیازهای فرهنگی محصول تعلیم و تربیت‌اند: پیمایش‌ها ثابت کرده است که همه‌ی فعالیت‌های فرهنگی (بازدید از موزه‌ها، رفتن به کنسرت‌ها و مطالعه‌ی از این قبیل ترجیحات و سلیقه‌ها در نقاشی موسیقی و...) پیوند تنگاتنگی با سطح تحصیلات (که با مدرک تحصیلی یا مدت تحصیل سنجیده می‌شود) و با خاستگاه اجتماعی نیز در ارتباط است و وزن و اهمیت نسبی پیشنهادی خانوادگی و آموزش رسمی نیز تأثیرگذار است (Bourdieu, 2011). حضور در فعالیت‌های فرهنگی بخشی از سرمایه‌های فرهنگی است، آیا تفاوت در این نوع سرمایه‌های فرهنگی کسب شده توسط زنان می‌تواند در پرداختن به فعالیت‌های ورزشی و بدنی مؤثر باشد؟ با توجه به اهمیت فعالیت‌های ورزشی زنان و وضعیت نه چندان مطلوب این موضوع در جامعه‌ی ایران، مطالعه‌ی حاضر به بررسی فعالیت‌های ورزشی زنان با تأکید بر عوامل اجتماعی فرهنگی در شهر شیراز پرداخته است.

پیشینه‌ی پژوهش

فراهانی و همکاران (Frahani et al, 2017) به بررسی اولویت بندی پیش روی زنان شاغل در فعالیت‌های ورزشی استان البرز پرداختند. این مطالعه از نوع توصیفی، از شاخه‌ی تحقیقات میدانی بوده که جامعه آماری کلیه‌ی زنان البرز ۱۰۰۰۰۰ نفر بوده که به صورت تصادفی و با استفاده از جدول مورگان ۳۸۴ نفر به دست آمد. ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. عوامل بازدارنده‌ی مشارکت ورزشی در شش حوزه‌ی ۱- فرهنگی و اجتماعی؛ ۲- اقتصادی؛ ۳- نیروی متخصص؛ ۴- نگرش خانواده؛ ۵- تجهیزات و امکانات؛ ۶- تبلیغات و رسانه‌ها بررسی شد. برای اولویت بندی پرسش‌نامه نیز از آزمون ناپارامتری فریدمن و کروسکال والیس استفاده شد و در نهایت نتایج نشان داد که عوامل

بازدارنده‌ی اقتصادی و تجهیزات و امکانات، جزو مهم‌ترین عوامل بازدارنده‌ی مشارکت ورزشی زنان شاغل استان البرز می‌باشد و عامل مربوط به نگرش خانواده در اولویت آخر قرار دارد.

فتحی و رضایی صوفی (Fathi, F and Rezaei sofi, M, 2017) مطالعه‌ی تحت عنوان ارتباط سطح سواد سلامت و سطح فعالیت ورزشی سالمندان زن شهر ارومیه انجام داده اند. منظور از سطح سلامت در این پژوهش عبارت است از مهارت‌های شناختی و اجتماعی که تعیین کننده‌ی انگیزه و دانایی افراد برای به دست آوردن و دسترسی به اطلاعات، درک و استفاده از آن‌ها برای ارتقا و حفظ سلامت می‌باشد. در این مطالعه‌ی توصیفی، همبستگی ۱۲۰ نفر از سالمندان زن شهر ارومیه انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات از پرسش‌نامه‌ی عملکردی بزرگسالان TOFHLA و پرسش‌نامه‌ی فعالیت بدنی Baekce استفاده شد. نتایج نشان داد ۳۰ درصد سواد سلامت کافی ۳۴/۳ درصد سالمندان سواد سلامت ناکافی و ۶۴/۳ درصد سواد سلامت مرزی داشتند. هم‌چنین همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سواد سلامت کافی و مرزی و فعالیت ورزشی وجود دارد. تحلیل رگرسیون گام به گام نیز نشان داد که سواد سلامت کافی و سواد سلامت مرزی می‌تواند تا ۸۰ درصد فعالیت ورزشی بانوان سالمند ارومیه را افزایش دهد.

نور علی وند و همکاران (Nooralivandi et al, 2017) به بررسی سرمایه‌ی اجتماعی در تبیین مشارکت ورزشی زنان ایلام پرداختند. جامعه آماری تحقیق زنان ۱۹ سال و بالاتر استان ایلام و حجم نمونه ۵۰۰ نفر از طریق نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای شناسایی و داده‌ها از آن‌ها جمع آوری شد. به منظور تجزیه و تحلیل از رگرسیون تک متغییره استفاده شد. نتایج نشان داد که زنان استان ایلام به ترتیب در ورزش حرفه‌ای (۱۵ درصد)، ورزش منظم (۱۸/۸ درصد)، ورزش سلامت محور (۱۷ درصد)، ورزش تفریحی (۱۵/۲ درصد) و فعالیت بدنی کم و نامنظم (۸ درصد) مشارکت دارند. هم‌چنین ۲۶ درصد زنان هیچ فعالیت ورزشی ندارند. علاوه بر این، نتایج تحلیلی تحقیق حاکی از این است که مشارکت اجتماعی (عضویت سازمانی و شبکه‌ی روابط) و اعتماد اجتماعی (بین شخصی و تعمیم یافته و مدنی نهادی) توانسته‌اند به ترتیب ۰/۲۶۸ و ۰/۳۶۶ و در مجموع به طور معناداری تا ۰/۵۹ از واریانس مشارکت ورزشی زنان را پیش‌بینی نمایند.

قدسی و همکاران (Ghods et al, 2013) به بررسی میزان مشارکت دانشجویان دختر در فعالیت‌های ورزشی و عوامل مؤثر بر آن پرداختند. جامعه آماری شامل دختران دانشجوی دانشگاه بوعلی سینا همدان (۵۰۹۶ نفر) بوده‌اند که از این تعداد ۳۸۵ نفر از طریق فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شده و از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، بین آن‌ها پرسش‌نامه توزیع شد. نتایج نشان داد بین متغیرهای حمایت اجتماعی، سرمایه فرهنگی، سودمندی ادراک شده، تمایل فردی و موانع اجتماعی مشارکت با میزان مشارکت ورزشی رابطه‌ی معناداری دیده می‌شود؛ اما بین متغیرهای رشته‌ی

تحصیلی، قومیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با میزان مشارکت ورزشی رابطه‌ی معناداری مشاهده نمی‌شود. هم‌چنین بین باورهای قالبی و مشارکت ورزشی، رابطه‌ی معنادار و معکوس وجود دارد. جاشوا و همکاران (Joshua, et al, 2017) مطالعه‌ای تحت عنوان عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار بر مشارکت ورزشی زنان دانشجوی دانشگاه ایلورین پرداختند. نمونه‌ی مورد مطالعه ۲۰۰ نفر از دانشجویان بودند که به ۲۲ پرسش، بر پایه‌ی عوامل اجتماعی فرهنگی مؤثر بر مشارکت ورزشی زنان بود، پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که فرهنگ، زمینه‌ی خانوادگی، مذهب، گروه همسالان، عامل جنسیتی، مشارکت ورزشی خانواده، از عوامل تأثیرگذار در فعالیت‌های ورزشی زنان دانشجو می‌باشد.

بی بی و همکاران (Bibi, et al, 2016) پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با فعالیت ورزشی زنان پاکستان انجام داده‌اند. در این مطالعه ۱۱۰ نفر از زنان از مناطق مختلف کشور که به فعالیت‌های حرفه‌ای ورزش می‌پردازند انتخاب شدند و از پرسش‌نامه‌ای با طیف لیکرت با پنج گویه استفاده شد و تجزیه تحلیل داده‌ها نیز توسط رگرسیون تک متغییره انجام شد. نتایج نشان داد که محدودیت‌های اجتماعی، هنجارهای فرهنگی، سنت‌ها و نگرش‌های عالمان مشهور از عوامل تأثیر گذار بر فعالیت‌های ورزشی زنان بود.

آمینات (Aminat, Aliro, 2016) به مطالعه‌ی ابعاد فرهنگی اجتماعی مؤثر بر مشارکت ورزشی دانش آموزان دختر بنیاد تاپری نیجریه پرداختند. جامعه آماری ۷۵۱۵ نفر که ۳۷۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند و اطلاعات توسط پرسش‌نامه جمع آوری شد. در تحلیل داده‌ها نیز از آزمون کای اسکوئر با سطح معناداری ۰/۰۵ استفاده شد. نتایج نشان داد عوامل فرهنگی- اجتماعی چون طبقه، تحصیلات و نگرش خانواده، مشارکت فرهنگی شخص بر مشارکت ورزشی دانش آموزان دختر تأثیر گذار است؛ هم‌چنین عامل‌های سنت، آداب و رسوم و مذهب از عواملی بودند که موانعی برای شرکت دختران در فعالیت ورزشی به وجود می‌آورد.

جورکویسکی و همکاران (Jurkowski et al, 2010) در مطالعه‌ای تحت عنوان «عامل‌های فرهنگی برگزیده مرتبط با فعالیت بدنی میان زنان آمریکای لاتین» به انجام رسانده‌اند. از جمله متغیرهای بررسی شده در این پژوهش، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل و عوامل فرهنگ پذیری می‌باشد. این پژوهش به شیوه‌ی تحقیق مشارکتی جامعه بنیاد صورت گرفته است؛ هم‌چنین اطلاعات توسط پرسش‌نامه‌ی جمع آوری شده و نمونه‌ی مورد مطالعه در این تحقیق ۲۹۸ نفر از زنان آمریکای لاتین بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که تنها ۶/۶ درصد از زنان پنج بار در هفته به فعالیت ورزشی می‌پرداختند و ۲۵ درصد دو بار یا بیشتر به فعالیت ورزشی می‌پرداختند، هم‌چنین محققان به این نتیجه رسیدند، زنانی که به توصیه‌های دینی مانند (اعتقاد به حفظ سلامتی بدنی که خداوند هدیه داده است) و فرهنگ پذیری توجه دارند، از جمله عوامل مثبت و معناداری است که موجب حداقل

یک بار در هفته فعالیت ورزشی می‌شود و استفاده کردن از غذاهای فست فود بیش از یک بار یا دوبار در هفته از جمله عوامل منفی مرتبط با فعالیت بدنی و ورزشی می‌باشد؛ هم‌چنین سن و تحصیلات از جمله عوامل معنادار مرتبط با فعالیت ورزشی بود.

مبانی نظری پژوهش

پیر بوردیو

از نظر بوردیو عادت واره عبارت است از موقعیت فرد که کنش هایش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عادت‌واره‌ها از طریق جایگاه فرد در ساختار اجتماعی به وجود می‌آید و تعیین می‌کند فرد چه امکانات عملی دارد (Dumais, 2002). این عادت واره‌ها مانند: لباس پوشیدن، غذا خوردن، ارتباطات اجتماعی، ورزش و اوقات فراغت و... می‌باشند (Monadi, 2006) و به ازای هر سطحی از موقعیت‌ها، سطحی از عادت‌واره‌ها وجود دارد که بر اثر شرایط اجتماعی مناسب با آن به‌وجود می‌آید و توسط این عادت‌واره و از ظرفیت تکثیر کننده‌ی آن‌ها، مجموعه‌ای از ثروت‌ها و خصلت‌ها به‌وجود می‌آورد که در درون خود از یک وحدت اسلوب برخوردارند (Bourdieu, 2002). هم‌چنین بوردیو از کنشگرانی در فضای اجتماعی سخن می‌گوید که کنش‌شان را فقط ناشی از عادت‌واره نمی‌داند، بنابراین او از دو مفهوم اضافی برای تکمیل مدل عمل افراد استفاده می‌کند؛ سرمایه و میدان. بنابراین حالت‌های مورد نظر در عادت‌واره نیازمند منابعی هستند و این منابع، کلیه‌ی چیزهایی هستند که بوردیو به آن‌ها سرمایه می‌گوید (Swartz, 2002). سرمایه، شکلی از قدرت افراد و گروه‌ها است که توانایی برخورد با آن را در تغییر یا کنترل موقعیت‌ها می‌داند. بوردیو از سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی فرهنگی، سرمایه‌ی اجتماعی صحبت می‌کند که به صورت نابرابری بین طبقات اجتماعی توزیع شده است و عادت‌واره با مقدار و شکل خاصی از سرمایه شکل می‌گیرد (Tomilson, 2004). میدان نیز در نظریه‌ی بوردیو پهنه‌ی اجتماعی کما بیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با عادت‌واره‌هایی تعریف شده و توانایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت و همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات ممکن دست یابند (Fakohi, 2005). بوردیو در نظریات خود از چهار نوع سرمایه در فضای اجتماعی سخن می‌گوید:

سرمایه‌ی فرهنگی : به دانش‌ها و مهارت‌هایی اشاره دارد که عاملان اجتماعی از طریق آموزش و زمینه‌های فرهنگی به آن دست می‌یابند. سرمایه‌ی فرهنگی غالباً مربوط به منزلت و محتوای منابعی نظیر: هنر بلاغت، هنر مجاب کردن، متقاعد کردن دیگران، ترجیحات زیبایی شناختی و مفهوم فرهنگی است (Hiller & Rooksby, 2002). سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند به سه شکل باشد، سرمایه‌ی متجسد: شکل خصایص دیرپای فکری و جسمی، به عبارتی معلومات کسب شده‌ای است

به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیک و حالت درونی شده به خود می‌گیرد و به توانایی‌های بالقوه‌ی فرد گفته می‌شود. سرمایه‌ی عینیت یافته: یکی از بدیهی‌ترین اشکال سرمایه‌ی فرهنگی، مصرف کالاهای فرهنگی در میان اقشار مختلف جامعه است که به شکل اشیای مادی رسانه‌ها، نقاشی، کتاب، اسناد و ابزارها وجود دارد؛ این سرمایه به سرمایه‌ی اقتصادی نیز می‌تواند تبدیل شود. سرمایه‌ی نهادینه شده: عینیت‌یابی سرمایه‌ی فرهنگی به شکل مدارک و مدارج آموزشی و حرفه‌ای تحصیلات می‌باشد. (Putnam et al:2009). سرمایه‌ی فرهنگی از نظر بورديو دربرگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن فرد انباشته می‌شود. کالاهای، مهارت‌ها و انواع دانش مشروع، از سرمایه‌های فرهنگی هستند. (Fazeli, 2003). به عبارت دیگر، منظور از سرمایه‌ی فرهنگی بورديو، ترکیبی از شناخت، آگاهی‌ها، آموزش‌ها و مدارک تحصیلی و... می‌باشد. در میان سرمایه‌های مطرح شده‌ی بورديو، سرمایه‌ی فرهنگی نقش مهمی را در اندیشه بورديو ایفا می‌کند. سرمایه‌ی فرهنگی کارکردهای مختلفی دارد. هم‌چنین داشتن سرمایه‌ی فرهنگی بدان معناست که فرد می‌تواند خود را از الزامات روزمره جدا کند و گزینش دلخواهی در عرصه‌ی فرهنگ انجام دهد (Monadi, 2005).

سرمایه‌ی اجتماعی: به منابع بالقوه‌ای که حاصل از شبکه‌ای از روابط کم و بیش نهادینه شده‌ی آشنایی و شناخت متقابل است، گفته می‌شود. شبکه‌ای که هر یک از اعضا خود را از پشتیبانی سرمایه‌ی جمعی برخوردار می‌کنند. از جمله شاخص‌های دیگر سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی است که شامل اعتماد و نظارت و تعهدات اکتسابی و تأیید شده به لحاظ اجتماعی است که افراد نسبت به سازمان‌ها و نهادها و دوستان و همسایگان و... دارند.

سرمایه‌ی اقتصادی: یا دارایی تولید شده از قبیل هرچیز مادی که می‌تواند در تولید کالا و خدمات به کار گرفته شود (همان).

سرمایه فیزیکی (بدنی): بورديو سرمایه‌ی بدنی را به مثابه‌ی یکی از انواع سرمایه‌ی فرهنگی می‌داند که در بدن سرمایه‌گذاری شده است. سرمایه‌ی بدنی به صورت زیبایی، قدرت بدنی، رفتاری، نمایان می‌گردد؛ هم‌چنین سرمایه‌ی بدنی با طبقات اجتماعی افراد در ارتباط است. افراد در طبقات بالا، به سلامتی و جنبه‌ی زیبایی شناختی بدن و قدرت، بیشتر اهمیت می‌دهند (Richard, 2002). براساس نظر بورديو، اشکال طبقه به طور محوری در قلب اولین تفسیرهای اساسی او درباره‌ی ورزش است. طبقات با هزینه‌های متفاوت (اقتصادی، فرهنگی و جسمانی) و منافع به هم پیوسته در ورزش‌های متفاوت مشخص می‌شوند. منافع جسمانی (سلامت، زیبایی، قدرت) که از طریق «حفاظت مناسب» تمرینات حاصل می‌شود. (Mehr Aein, 2008). لذا طبقات مختلف بر سر تأثیرات تربیت بدنی هم در سرسطح بیرونی بدن مثل قدرت عضلانی قابل رویت و یا برعکس ظرافت و وقار زیبایی بدن و چه در درون بدن مانند سلامتی، تعادل ذهنی و غیره توافقی ندارند. یک الگوی کارآمد برای توزیع

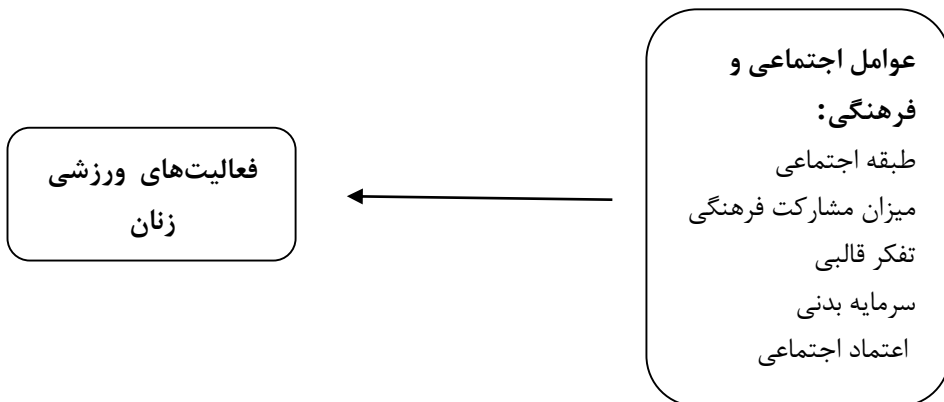
اعمال ورزشی در میان اقشار و طبقات جامعه، باید عوامل مثبت و منفی را به وضوح در نظر بگیرد که مهم‌ترین آن‌ها «وقت آزاد» (شکل تغییر یافته‌ی سرمایه‌ی اقتصادی) و سرمایه‌ی فرهنگی است. بنابراین احتمال انجام فعالیت‌های ورزشی متفاوت اساساً به سرمایه‌های هر فرد بستگی دارد؛ این احتمال هم‌چنین به سنخیت میان موضع‌گیری‌های زیبایی‌شناختی و اخلاقی خاص هر طبقه و یا قشر و ظرفیت‌های عینی کمال اخلاقی و زیبای شناختی‌ای بستگی دارد که در هر فعالیت ورزشی وجود دارد. در واقع کارکرد سلامتی کم و بیش همیشه، با آنچه «کارکردهای زیبای شناختی» نامیده می‌شود، مرتبط است (کارکردی که به ویژه برای زنان در قیاس با دیگران، نیاز هر چه بیشتری به رعایت هنجارهایی دارند که مشخص می‌کند بدن - نه در پیکره‌ی قابل فهمش، بلکه در نوع حرکت و خرامش چگونه باید باشد). (Bourdieu, 2002).

پس بر پایه‌ی آنچه بوردیو در کتاب تمایز نیز بیان می‌کند، فعالیت بدنی از شکل‌های پیچیده‌ی عوامل اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی به وجود می‌آید. همه‌ی عواملی که عادات‌های اشخاص و هویت و طبقه‌ی اجتماعی را شکل می‌دهد و این عادات از یک سری فاکتورهای ذهنی که توسعه‌ی بدنی را ارائه می‌کند که این عادات شامل محیط‌های اطراف هر شخص، شامل عقاید و منش‌ها و هر چیزی که نشان دهنده‌ی آن است که هر شخصی انتخاب‌های بی‌شماری انجام دهد. بوردیو بیان می‌کند که عادت‌واره‌ها ریشه در دوران خیلی دورتر، یعنی زمان کودکی و توسط روابط متقابل با اعضای خانواده و گروه‌های دیگر اجتماعی دارد. عادت‌واره‌ها متأثر از بسیاری نشانه‌های انسانی است و مردم ذائقه‌ها و تجربه‌ها فعالیت بدنی و ورزش را به صورت خصلت‌های عمیق، عادت‌واره‌ها نشان می‌دهند. پس عادت‌واره‌ی ورزش تحت تأثیر سرمایه‌هایی است که بوردیو بیان می‌کند. سرمایه‌ی اقتصادی (کالا و خدمات، پول و شغل) سرمایه‌ی اجتماعی (دوستان، همسالان، اعتماد اجتماعی به نهادها سازمان‌ها) و سرمایه‌ی فرهنگی (تحصیلات، خصلت دیر پای بدن و ذهنیت، گرایش‌ها و نگرش‌ها و...) خصلت دیر پای بدن به عنوان سرمایه‌ی تجسم یافته‌ای از سرمایه‌ی فرهنگی است که به عنوان سرمایه‌ی بدنی (فیزیکی) از آن یاد می‌شود. (Dagkas & Stathi, 2007).

بنابراین با توجه به این که رفتارهای اجتماعی هر کدام به عنوان یک عادت‌واره محسوب می‌شوند، میزان پرداختن به فعالیت‌های ورزشی که متغیر وابسته‌ی پژوهش می‌باشد یک نوع عادت‌واره است که خود تحت تأثیر سرمایه‌هایی است که زنان در اختیار دارد و از آن‌جا که منظور از متغیرهای اجتماعی و فرهنگی همان سرمایه‌ها است، با توجه به تعاریف بوردیو از انواع سرمایه برای تعیین متغیرهای مستقل پژوهش استفاده شده است. گرچه بوردیو معتقد است که این سرمایه‌ها در هم تنیده و بر هم تأثیرگذار هستند و به طور مداوم در حال تبدیل هستند، اما لازم است که به کمک این تفکیک و تعریف هر کدام از سرمایه‌ها، ابتدا افراد را بر اساس میزان کلی سرمایه‌ای که در شکل‌های متفاوت آن را دارا هستند شناسایی کنیم، سپس بر اساس ساختار سرمایه‌ها، یعنی بر اساس وزن

نسبی هر یک از انواع مختلف سرمایه‌ی فرهنگی، اجتماعی و ... که دارا هستند، رابطه‌ی آن را با متغیر وابسته‌ی پژوهش که فعالیت ورزشی زنان می‌باشد را مورد بررسی قرار دهیم.

مدل پژوهش:



فرضیات پژوهش

- بین طبقه‌ی اجتماعی پاسخگویان و میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین میزان مشارکت فرهنگی پاسخگویان و میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین تفکر قالبی پاسخگویان و میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه‌ی بدنی پاسخگویان و میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان و میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش و جامعه آماری زنان ۲۰ تا ۶۵ سال شهر شیراز است که ۳۹۸۰۱۴ نفر هستند. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و براین اساس، حجم نمونه‌ی مورد مطالعه با سطح معناداری ۹۶ درصد و خطای نمونه‌گیری ۴٪ برابر با ۵۹۹ نفر از زنان ۲۰ تا ۶۵ سال شهر شیراز می‌باشد. شیوه‌ی نمونه‌گیری در این پژوهش، با استفاده از روش سهمیه بندی بود که ابتدا با توجه به جمعیت زنان ۲۰ تا ۶۵ سال زنان شهر شیراز، در هر کدام از مناطق نه گانه‌ی شهرداری، نمونه به صورت تصادفی در هر منطقه با توجه به جمعیت هر منطقه انتخاب شد و مورد بررسی قرار گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش نیز پرسش‌نامه می‌باشد که با استفاده از سؤالات باز و بسته متغیرهای مورد مطالعه، مورد سنجش واقع شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با استفاده از نرم افزار آماری SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفته است.

یافته های پژوهش

باتوجه به نتایج آمار توصیفی، میانگین سن زنان ۳۴-۳۱ سال، حداقل سن ۲۰ سال و حداکثر ۶۵ سال بود. هم‌چنین میانگین تحصیلات زنان ۱۲/۹۴ بود و بیشترین درصد ۳۹/۲ مربوط به سطح سواد دیپلم و کمترین درصد ۴/۳ مربوط به مقطع فوق لیسانس و دکتری می‌باشد. ۶۱/۷ درصد پاسخگویان متأهل و ۳۸/۳ درصد نیز مجرد بودند. ۷۷/۲ درصد از زنان خانه‌دار و ۲۲/۷ درصد نیز شاغل بودند. میانگین درآمد زنان ۴۲۶ هزار تومان، حداقل ۱۰۰ هزار تومان و حداکثر ۳ میلیون تومان ذکر شده بود. هم‌چنین در متغیر طبقه‌ی اجتماعی ۶/۲ درصد در طبقه‌ی بالا و در طبقه‌ی متوسط بالا ۳۳/۵ درصد و حدود ۴۸/۹ درصد طبقه متوسط و ۱۰/۵ درصد هم در طبقه‌ی پایین قرار داشتند. بیش از نیمی از پاسخ دهندگان ۵۸/۳ درصد فعالیت ورزشی نمی‌کنند و اما در مابقی پاسخ دهندگان، بیشترین درصد (۱۷/۷ درصد) بین ۲۰ تا ۴۰ دقیقه و کمترین درصد (۳/۷) که بین ۶۰ تا ۸۰ دقیقه ورزش می‌کنند. هم‌چنین ۱۰/۵ درصد بین ۴۰ دقیقه تا ۶۰ دقیقه و ۴/۲ درصد پاسخگویان ۸۰ دقیقه و بیشتر به فعالیت‌های ورزشی می‌پردازند

یافته های استنباطی

یافته‌های استنباطی در این پژوهش نشان می‌دهد که:

فرضیه‌ی ۱: به نظر می‌رسد بین طبقه‌ی اجتماعی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه‌ی

معنی داری وجود دارد.

آزمون رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی آن‌ها در جدول شماره‌ی ۱ آمده است. فراوانی طبقه‌ی بالا ۲۳۷، طبقه‌ی متوسط بالا ۲۰۱، طبقه متوسط ۲۹۹، طبقه پایین ۶۳ نفر می‌باشد. هم‌چنین بیشترین میانگین مربوط به طبقه‌ی بالا ۲۹/۲۴ می‌باشد و به ترتیب طبقه‌ی متوسط بالا ۲۴/۸۱، طبقه‌ی متوسط ۱۵/۳۱، طبقه‌ی پایین ۱۴/۹۵ می‌باشد. با توجه به مقدار F به دست آمده (۵/۳۸) و سطح معناداری ۰/۰۱ تفاوت میانگین‌ها معنادار است و فرضیه‌ی رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی پاسخگویان و میزان فعالیت ورزشی پاسخگویان با اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته می‌شود.

جدول ۱- آزمون رابطه‌ی بین طبقه‌ی اجتماعی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی

متغیر وابسته	طبقه اجتماعی	فراوانی	میانگین	خطای استاندارد	انحراف معیار	F	سطح معنی داری
میزان فعالیت ورزشی	طبقه بالا	۲۳۷	۲۹/۲۴	۷/۴۴	۴۵/۲۸	۵/۳۸	۰/۰۰۱
	طبقه متوسط بالا	۲۰۱	۲۴/۸۱	۲/۶۵	۳۷/۵۴		
	طبقه متوسط	۲۹۹	۱۵/۳۱	۱/۴۳	۲۵/۷۸		
	طبقه پایین	۶۳	۱۴/۹۵	۳/۱۷	۳۱/۵۰		
	جمع کل	۶۰۰	۱۹/۳۲	۱/۲۸	۳۱/۵۰		

فرضیه‌ی ۲: به نظر می‌رسد بین مشارکت فرهنگی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.

جدول شماره‌ی ۲، فرضیه‌ی چگونگی رابطه‌ی بین مشارکت فرهنگی با میزان فعالیت ورزشی را نشان داده است. برای سنجش این متغیر با سؤالاتی چون حضور در کلاس‌های علمی- فرهنگی مراجعه به کتابخانه‌ها و... سنجیده شده است و توسط رگرسیون خطی آزمون شده است. ضریب همبستگی (R) بین متغیر مشارکت فرهنگی و میزان فعالیت ورزشی ۰/۳۱۷ می‌باشد و ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد که ۰/۱۰۰ این متغیر توانسته به اندازه ۰/۱۰۰ از واریانس متغیر فعالیت ورزشی را تبیین کند. هم‌چنین مقدار بتا مثبت شده که نشانگر رابطه‌ی مستقیم بین این دو متغیر است. با توجه به مقدار F و سطح معناداری به دست آمده، فرضیه‌ی رابطه‌ی بین مشارکت فرهنگی و میزان فعالیت ورزشی پذیرفته می‌شود.

جدول ۲- آزمون رابطه‌ی مشارکت فرهنگی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی

مشارکت فرهنگی	همبستگی ی چندگانه	ضریب تعیین	R^2 . Ad	خطای استاندارد	B	بتا	F	سطح معنی داری
میزان فعالیت ورزشی	۰/۳۱۷	۰/۱۰۰	۰/۰۹۹	۰/۲۱۱	۱/۷۲	۰/۳۱۷	۶۶/۶	۰/۰۰۰

فرضیه‌ی ۳: به نظر می‌رسد بین تفکر قالبی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.

در جدول شماره ۳، رابطه‌ی بین تفکر قالبی و میزان مشارکت ورزشی آمده‌است. با توجه به نتایج، میزان همبستگی (R) بین متغیر میزان استفاده از رسانه و میزان فعالیت ورزشی ۰/۲۳۹ می‌باشد و ضریب تعیین R^2 ۰/۰۵۷ می‌باشد که میزان تبیین کنندگی این متغیر مستقل را بیان می‌کند. همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است، مقدار بتا ۰/۲۳۹- به دست آمده منفی می‌باشد و رابطه معکوس است؛ به این معنی که هرچه زنان دارای تفکر قالبی ضعیف‌تری باشند، میزان مشارکت در فعالیت‌های ورزشی آن‌ها افزایش می‌یابد. با توجه به مقدار F به دست آمده و سطح معناداری ۰/۰۰۰ فرضیه‌ی رابطه‌ی بین تفکر قالبی پاسخگویان و مشارکت در فعالیت ورزشی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۳- آزمون رابطه‌ی تفکر قالبی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی

تفکر قالبی	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	R^2 . Ad	خطای استاندارد	B	بتا	F	سطح معنی داری
میزان فعالیت ورزشی	۰/۲۳۹	۰/۰۵۷	۰/۰۵۵	۰/۱۶۳	-۰/۹۲۸	-۰/۲۳۹	۳۶/۱	۰/۰۰۰

فرضیه‌ی ۴: به نظر می‌رسد بین سرمایه‌ی بدنی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.

جدول شماره ۴ نشان دهنده‌ی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی بدنی و میزان فعالیت ورزشی می‌باشد. میزان همبستگی (R) بین متغیر سرمایه‌ی بدنی و میزان فعالیت ورزشی ۰/۱۹۵ می‌باشد. ضریب تعیین R^2 ۰/۰۳۸ می‌باشد که نماینده‌ی آن است که ۰/۰۳۸ از واریانس فعالیت ورزشی توسط این متغیر تبیین شده است و مقدار بتا نیز مثبت و رابطه مستقیم است. اما با توجه به مقدار F و سطح معناداری ۰/۰۰۰ فرضیه‌ی رابطه‌ی بین سرمایه‌ی بدنی و میزان فعالیت ورزشی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۴- آزمون رابطه‌ی سرمایه‌ی بدنی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی

سرمایه بدنی	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	R^2 . Ad	خطای استاندارد	B	بتا	F	سطح معنی داری
میزان فعالیت ورزشی	۰/۱۹۵	۰/۰۳۸	۰/۰۳۶	۰/۱۲۹	۰/۶۲۴	۰/۱۹۵	۲۳/۵	۰/۰۰۰

فرضیه ۵: به نظر می‌رسد بین اعتماد اجتماعی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی آن‌ها رابطه‌ی معنی داری وجود دارد.

در جدول شماره ۵ رابطه‌ی بین اعتماد اجتماعی و میزان فعالیت ورزشی را نشان می‌دهد. میزان همبستگی (R) بین متغیر اعتماد اجتماعی و میزان فعالیت ورزشی ۰/۲۲۸ می‌باشد. ضریب تعیین R^2 ۰/۰۵۲ به دست آمده است که نشان می‌دهد که ۰/۰۵۲ از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود. مقدار B نیز ۱/۱۶ است. مقدار بتا به دست آمده مثبت است که حاکی از رابطه‌ی مستقیم بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و میزان فعالیت ورزشی می‌باشد، یعنی هرچه که زنان احساس اعتماد بیشتری به محیط اطراف زندگی و فضاها و باشگاه‌های ورزشی داشته باشند، بیشتر ورزش می‌کنند. همان‌طور که بیان شد اعتماد اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه‌های اجتماعی است. با توجه به مقدار F به دست آمده و سطح معناداری ۰/۰۰۰ فرضیه رابطه‌ی بین میزان اعتماد اجتماعی با میزان فعالیت‌های ورزشی با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۵- آزمون رابطه‌ی اعتماد اجتماعی پاسخگویان با میزان فعالیت ورزشی

اعتماد اجتماعی	همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	R^2 . Ad	خطای استاندارد	B	بتا	F	سطح معنی داری
میزان فعالیت ورزشی	۰/۲۲۸	۰/۰۵۲	۰/۰۵۱	۱/۱۶	۰/۲۰۳	۰/۲۲۸	۳۲/۹	۰/۰۰۰

نتیجه گیری

ورزش به عنوان یکی از نهادهای ثانویه جامعه‌ی مدرن، کارکردهایی چون سلامت، تفریح، هویت-یابی، رفاه اقتصادی و... به همراه دارد. بنابراین جوامع جدید بیش از هر زمانی به ورزش نیاز دارد؛ زیرا جامعه‌ی سالم نیازمند نیروی سالم و با نشاط است، برخی از محققان نیز ورزش را امر فرهنگی و زبان مشترکی برای برقراری ارتباطات جهانی می‌دانند (Naghdi, 2011). در این پژوهش با بهره-گیری از نظریه‌ی سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی پیر بوردیو متغیرهای مرتبط با فعالیت‌های ورزشی مورد مطالعه قرار گرفتند. متغیرهایی که در این راستا بررسی شدند عبارتند از طبقه‌ی اجتماعی، مشارکت فرهنگی، سرمایه‌ی بدنی، اعتماد اجتماعی و تفکر قالبی.

اهمیت دادن به بدن که از فاکتورهای مؤثر آن، شیوه‌ی تغذیه و اهمیت دادن به فعالیت‌های ورزشی و بدنی است و همان‌گونه که در پژوهش نشان داده شد، زنانی که از سرمایه‌ی بدنی بیشتری برخوردار بودند، به فعالیت ورزشی نیز بیشتر می‌پرداختند. چنان‌چه بوردیو در کتاب تمایز اظهار

می‌دارد که زنان در طبقات بالا و بورژوا به بدن اهمیت بیشتری می‌دهند حتی به تنوع رشته‌های ورزش نیز اشاره می‌کند و این‌که به دنبال سرمایه‌گذاری بر روی ظاهر خود هستند و از سودمندی‌های ورزشی اطلاع بیشتری دارند و به بعد زیبایی شناختی نیز توجه دارند.

هم‌چنین در حوزه‌ی سرمایه‌ی فرهنگی، رفتارها و رویه‌های فرهنگی و علاقه نسبت به نمادها و منابع فرهنگی مورد نظر محققان قرار گرفته و شاخص‌های مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین شاخص در این زمینه: بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌های علمی و هنری رفتار و عادات مطالعه-ای، رفتن به سینما است (Noghani, 2007) که در پژوهش تحت متغیر فعالیت فرهنگی بیان شده است. در تحقیقی که زیر نظر بورديو اجرا شده است، نشان می‌دهد چگونه آمادگی‌ها در برابر بدن و فعالیت‌های ورزشی، با آمادگی در برابر سایر فعالیت‌های فرهنگی منسجم اند. از جمله متغیرهای بررسی شده دیگر تفکر قالبی از فاکتورهای فرهنگی بررسی شده در پژوهش بود که رابطه‌ی عکس با حضور زنان در ورزش داشت، بنابراین پذیرش باورهای قالبی درباره‌ی تفاوت‌های جنسیتی بین زنان و مردان در پرداختن به ورزش نقش تعیین‌کننده‌ای دارد که خود به سرمایه‌ی فرهنگی زنان در این زمینه بر می‌گردد که با توجه به نقش خانواده و جامعه‌پذیری و شرایط اجتماعی است که زنان در آن زندگی می‌کنند. آدیوکیس و شارون نیز معتقدند که تفکرات جنسیتی بر نگرش و گرایش‌ها و رفتار افراد تأثیر می‌گذارد و باورهای جنسیتی تأثیر عمده بر ورزش به عنوان کنش متقابل اجتماعی دارد. تیستس (2006) در پژوهش خود تأثیر کلیشه‌های جنسیتی و تأثیر آن در فعالیت ورزشی زنان تأیید کرده است که داشتن تفکر قالبی یکی از موانع برای ورزش زنان است (Defranc, 2006).

دیگر متغیر مورد مطالعه که در حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی قرار دارد؛ اعتماد اجتماعی بود که نتیجه حاکی از آن بود، زنانی بیشتر مشارکت ورزشی دارند که از اعتماد اجتماعی بیشتری هم برخوردار بودند که در پرسش‌نامه با اعتماد به سالن‌های ورزشی، سازمان تربیت بدنی، پارک‌ها و... اعتماد به داشتن دوست و همراه ورزشی سنجیده شده بود. برای فراهم کردن اعتماد نسبی برای زنان جهت حضور در فعالیت‌های بدنی ورزشی، سازمان‌ها و نهادهای ذی ربط باید تلاش گسترده‌تری را انجام دهند تا زنان در هر طبقه‌ای از جامعه قرا داشته باشند، امکان حضور در فعالیت‌های ورزشی برای آن‌ها وجود داشته باشد. هم‌چنین کریستیان پوچلو^۵ نیز در تبیین طبقه‌ی اجتماعی و فعالیت‌های ورزشی به مدل علی بورديو اشاره می‌کند که قرار گرفتن گروه‌های اجتماعی در فضا و موقعیت‌های اجتماعی بر اساس دو محور: اول حجم کلی سرمایه‌ها، یعنی مجموع منابع و امکاناتی است که عملاً قابل استفاده است و محور دوم: سازمان سرمایه‌ها، یعنی توزیع مخصوص انواع مختلف سرمایه را توجیه و تبیین می‌کند (Mohbi, 2000). درباره‌ی احتمال پرداختن به ورزش‌هایی در طبقه‌های مختلف، در

⁴ Costa.M&Sharon.R

¹ Pocielo.C

واقع تا حد زیادی مدیون الگوهای گذشته‌ی این توزیع است؛ زیرا در این جا اثر دیرماندگی در میان است که بیانگر این نکته است که انجام ورزش به فرهنگ درونی شده‌ی آن‌ها در هر طبقه بر می‌گردد. همان‌گونه که باید بدانیم تفاوت‌های طبقاتی در فعالیت ورزشی همان‌قدر که نتیجه‌ی تفاوت‌های ادراک و ارزیابی فواید فوری و معوقی هستند که تصور می‌شود ورزش به ارمغان خواهد آورد، نتیجه‌ی تفاوت‌هایی هزینه‌ای که هم هزینه‌ی اقتصادی و هم فرهنگی و هزینه‌ی جسمانی نیز هستند تا خطوط کلی توزیع این فعالیت را در میان طبقه‌ها درک کنیم. (Bourdieu, 2011). در این مطالعه، همان‌طور که گفته شد زنانی که در طبقات بالای جامعه بودند، بیشتر ورزش می‌کردند و علاوه بر این، نوع رشته‌ی ورزشی آن‌ها پر هزینه‌تر بود. با توجه به مباحث نظری مطرح شده، تعلق افراد به طبقات بالاتر، امکان دسترسی به انجام فعالیت ورزشی را برای آنان مقدورتر می‌سازد؛ هم‌چنین آگاهی‌های طبقات بالاتر به رفتارهای سلامت و انجام فعالیت ورزشی و تفریحی و بدنی بیشتر است و به این مقوله بیشتر اهمیت می‌دهند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، زنان در فضای اجتماعی زندگی می‌کنند که سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی در شکل‌گیری عادت واره‌های آنان نقش دارد. عادت‌واره‌هایی چون ورزش و فعالیت‌های بدنی اوقات فراغت و غیره. بدون تردید زنان از میزان و نوع متفاوتی از سرمایه‌ها بهره‌مند هستند و با توجه به این مسأله باید در اندیشه‌ی بالا بردن سرمایه‌های زنان باشیم چه از طریق نهادها و سازمان‌ها و نقش مهم جامعه و چه از طریق آموزش زنان برای کسب بیشتر سرمایه‌ها تا شیوه‌ی زندگی سالم را برای خود عملی کنند.

References:

- Alivardi Nia, A., Riahi, M.E., & Arman Mehr, V. (2008). Investigating gender differences in terms of social control and delinquency with an emphasis on sports entertainment. *Women's Studies*, 2(4): 101-121. PERSIAN
- Aminat, Aliro (2016). Socio-Cultural Perspectives of Sport Among Female Student in Tertiary Institution in Kano State, Nigeria. *World Scientific News*, Vol, 25, pp37- 44
- Bibi, Effat and Khan, Salahuddin and Khan, Wasim. (2016) Influence of Sociocultural Problems on sport participation: A case of female elite athletes in Pakistan. *International Journal of Scientific & Engineering Research*, Vol 7, Issue 6, P363
- Bourdieu, P. (2002). Sports actions and social actions. M. Farzad (Trans.). *Arghanon Quarterly*, 20: 227-244. PERSIAN
- Bourdieu, P. (2002). Action theory: practical reasons and logical selection. M. Mardiha (Trans.). Tehran: Naghsh-o-Negar Publications. PERSIAN
- Bourdieu, P. (2011). Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste. H. Chavoshian (Trans.). Tehran: Thaleth Publications.
- Dagkas, S., & Stathi, A. (2007). Exploring social and environmental factors affecting adolescents' participation in physical activity. *European Physical Education*, 13: 369-384.
- De France, J. (2006). Sports sociology. A. H. Nik Gouhar (Trans.). Tehran: Totia.

- Dumais, S.S.A. (2002). Cultural capital, gender and school success. *Sociology of Education*, 1: 44-69.
- Eshraghi, M., & Mohammadi, A. (2001). An introduction to sports sociology. *Isfahan Culture*, 22. PERSIAN
- Fakohi, N. (2005). Pierre Bourdieu's social thought. Available at www.fakouhi.com/Bourdieu/453 PERSIAN
- Frahani, A and Hosseini, Masomeh & Moradi, Razieh. (2017). Prioritization of Deterrents to Women's Participation in Sport Activities in Alborz province, Iran. *Scientific Journal School of Public Health and Institute of Public Health Research*, N 15(1):23-34
- Fathi, F and Rezaei Sofi, M. (2017). The Relationship between Health Literacy and Physical Activity Level of Elderly women in The City of Urmia, *Journal of Health Literacy*. Vol 2,(1): PP 12-21
- Fazelei, M. (2003). *Consumption and lifestyle*. Qom: Sobh-e Sadeh Publications. PERSIAN
- Ghods, A.M., Afshar Kohan, J., & Atarod, A. (2013). Investigating the factors contributing to participation in sports activities in female students at Bu Ali Sina University. *Women's Social-Psychological Research Quarterly*, 11(2). PERSIAN
- Hiller, J., & Rooksby, E. (Eds.). (2002). *Habitus, A sense of place*. Aldershot: Ashgate.
- Khazaie, M.R. (2003). Mutual impact of culture and sports. *Sports University Revolution*, 186: 9-20.
- Joshua, O.R and Adeoye, O.O & Ibrahim, O. (2017). Social Cultural Factors Influencing Women's Participation in Sports as Perceived by Female Students of the University of Ilorin. *Journal Home Vol 4, No 2*. P 42-64
- Jurrkowski, Janine., Mosquera, Margarita and Blanca, Ramos. (2010). "Selection Cultural Factors Associated With Physical Activity Among Latino Women" *Women's Health. Issues*, 20, 219- 226
- Mehr Aein, M.R. (2008). *New theories in sports sociology*. Tehran: Sociologists. PERSIAN
- Mohebi, F. (2000). Investigating socio-cultural factors influencing women's interest in sports. Unpublished M.S thesis, Al-Zahra University, Tehran, Iran. PERSIAN
- Mohtashemi, Z. (2009). Women as the axis of social health. *Mardomsalari Newspaper*, Version 2077: 5. PERSIAN.
- Monadi, M. (2006). *Family sociology: analysis of routines in the family sphere*. Tehran: Danzheh Publications. PERSIAN.
- Naghdi, A.A., Balali, E., & Imani, P. (2011). Socio-cultural barriers to women's participation in sports activities. *Women in Development and Politics (Women's Studies)*, 9(1): 147-163. PERSIAN
- Noghani, M. (2007). Effect of cultural capital inequality on academic achievement to obtain higher education in pre-university students. *Education and Training Quarterly*, 23. PERSIAN
- Nooralivandi, A and Malki, Amir and Parsameher, M & Ghasmi, Hamid. (2017). Investigating The Role of Social Capital in Explaining Sport Participation. *Socio-Cultural Development Studies*, Vol 5 (3): PP 151-178. PERSIAN

- Ogu, O.C. (1999). Social Situations Affecting the Sporting Experiences of working Class Women in Nigeria: A challenge to sport (sport library). Federal college of Nigeria, 55-64.
- Putnam, R., Coleman, J., et al. (2009). Social capital: trust, democracy and development. A. Khakbaz & H. Poyan (Trans.). Tehran: Shirazeh Publications. PERSIAN
- Prichard, I., & Tiggmann, M. (2008). Relation among exercise type, self and body image in the fitness center environment: Theory of reasons for exercise. *Psychology of Sport and Exercise*, 9: 855-866.
- Richard, L. (2002). The Body in The Social World and the Social World in The Body: Applying Bourdieu's Work to Activity in Schools. The University of Melbourne, <http://www.aare.edu.au>
- Swartz, DL. (2002). The occupational theory. *Journal of Behavioral Medicine*, 12 (3): 59-78.
- Tomilson, A. (2004). Pierre Bourdieu and the Sociological Study of sport: Habitus, Capital and field. In *Sport and modern social theorists*. R. Giuidlin (Ed.). 162-172.
- Vadadhir, A.A., Sadati, S.M.H., & Ahmadi, B. (2008). Health as viewed by magazines of health and hygiene in Iran. *Women's Studies*, 2: 134-255. PERSIAN

